

## چکیده

افزایش جمعیت تهران در زمان ناصرالدین شاه و علاقه شاه و اعیان و اشراف سبب ساخت تکیه دولت در سال ۱۲۸۴ ه.ق. شد. با توجه به توصیفات سیاحان اروپایی و مورخان ایرانی، تکیه دولت دارای معماری خاص دوره قاجار و ساختمانی مدور با چهار طبقه بود که طبق روش‌های مهندسی تکایای ایرانی ساخته شده و با انواع و اقسام وسایل، تزئین و آماده تعزیه‌داری بود.

زهره خان محمدزاده  
آموزگار شهر تهران

# بنای تکیه دولت

تکیه دولت در رشد و اعتلای تعزیه و شبیه‌خوانی در دوره قاجار نقش مهمی داشت. تعزیه‌های انجام شده در آن زیر نظر ارگ سلطنتی و دربار بود و تعزیه‌گردان آن، **معین البکا** و **ناظم البکا** خوانده می‌شد.

برنامه‌های تعزیه‌ها در اعلان‌هایی روی دیوار زده می‌شد و شیوه تعزیه‌خوانی با مراسم و تشریفات خاصی همراه بود. اوج تعزیه دوره قاجار تا مرگ ناصرالدین‌شاه بود و پس از مرگ وی، جانشینانش به دلیل شرایط جامعه و حوادث مشروطه، نتوانستند مانند ناصرالدین‌شاه در تکیه دولت تعزیه‌داری کنند. تعزیه از این زمان رو به افول و تنزل نهاد. امروزه از تکیه دولت چیزی به جز اسناد و مدارک و مقداری عکس و یک نقاشی اثر **کمال‌الملک**، باقی نمانده است.

### کلیدواژه‌ها: تکیه دولت، معین البکا، تعزیه، ناصرالدین‌شاه

بزرگ متعددی موجود بودند (گوبینو، ۱۳۶۹: ۱۱ و ۱۲). به تدریج، جمعیت تهران بیشتر می‌شود و استقبال مردم از اجرا تعزیه‌ها در تکیه‌ها بیشتر. در اواسط سلطنت ناصرالدین‌شاه، به دلیل استقبال مردم و اعیان و اشراف و علاقه شدید به تعزیه و نمایش، ناصرالدین‌شاه در سال ۱۲۸۳ یا ۱۲۸۴ هـ.ق. به **دوستعلی خان معیرالممالک** دستور داد که در کنار کاخ «شمس‌العماره» تکیه وسیع و بزرگی را بنا کنند. با ساخته شدن تکیه دولت، تکایای دیگر مثل تکیه قدیمی دولت، یعنی تکیه حاج میرزا آقاسی، از رونق افتاد و به مخزن تدارکات قشون تبدیل شد.

«روز هجدهم ذی‌حجه الحرام که از اعیاد عظیمه اثنی عشری است، به موجب معمول، در حضور همایون اعلام سلام عام شد... سه ساعت به غروب مانده، مخزن تدارکات قشون را که به تازگی در تکیه دولت ترتیب یافته و به اهتمام امین لشکر فرو زیب یافته بازدید فرمودند...» (روزنامه ایران، نمره ۲۰۸، ۱۲۹۰ هـ.ق).

### علل و تاریخ ساخت بنا

**جمشید ملک‌پور** در مورد علت ساخته شدن تکیه دولت می‌نویسد: «در مورد تکایا نیز باید گفت که تا حوالی سال ۱۲۸۵ هجری قمری، نزدیک به ۵۰ تکیه در تهران وجود داشت که معتبرترین آن‌ها، تکیه «حاج میرزا آقاسی» یا تکیه «عباس‌آباد» بود اما چون تعزیه با استقبال مردم مواجه می‌شود و دیگر جا به اندازه کافی در تکیه‌های مذکور پیدا نمی‌شود، لذا ناصرالدین‌شاه دستور بنای تکیه دولت را جنب عمارت شمس‌العماره می‌دهد (ملک‌پور، ۱۳۶۶: ۶۴).

در مورد تاریخ ساخت بنای تکیه دولت نمی‌توان زمان دقیقی را ارائه کرد. مادام **کارلا سرنّا**، **جعفر شهری** باف و **ژان کالمار** معتقدند که ناصرالدین‌شاه پس از اولین سفر به فرنگ در سال ۱۲۹۰ ق، و دیدن تئاترهای نمایشی آن دیار، مصمم شد که به معیرالممالک دستور دهد که تکیه دولت را با اقتباس از معماری ساختمان کنسرت «آلبرت هال»<sup>۳</sup> بسازند (نک: سرنّا، ۱۳۶۲، ۱۶۱ تا ۱۷۹؛ شهری باف، تاریخ اجتماعی...، ۱۳۶۸، ج ۵: ۵۴۱؛ کالباز ۱۳۸۴: ۱۰۳).

گروهی دیگر از محققان چون **بهرام بیضایی**، **جمشید ملک‌پور**، **عنایت‌اله شهیدی** و **اعتمادالسلطنه** معتقدند که ساختمان تکیه دولت براساس طرح میدان‌ها و برخی کاروان‌سراها و تکایا طراحی و ساخته شده بود. آن‌ها با ارائه اسناد و مدارک معتقدند که معماری تکیه دولت پس از اتمام ساختمان «کاخ شمس‌العماره»، در سال

### مقدمه

واژه «تکیه» به محلی اطلاق می‌شود که در آن شرح مصائب حضرت **امام حسین (ع)** به صورت تعزیه یا روضه بیان می‌شود. تکیه فضای محصور است که وسط آن سکویی گرد یا چهارگوش ساخته شده است و کار صحنه نمایش را می‌کند. در اطراف سکو غرفه‌ها و طاق‌نماهایی وجود دارند که آنها را یا آیین می‌بندند و یا رجال کشور برای تماشای تعزیه از آنها استفاده می‌کنند (مصاحب، ۱۳۴۵، ج ۱: ۶۶۱).

از آنجا که مردم، اجرای مراسم محرم را نوعی تقرب به خدا و ثواب می‌دانستند، در دوره قاجار نمایش تعزیه به صورت یک نمایش آیینی - مذهبی درآمد و رو به تکامل گذاشت. مردم و بانیان این عزاداری‌ها سعی می‌کردند با ساختن تکیه و وقف آن، اجر دنیوی و اخروی برای خود به دست آورند.

در دوره قاجار تکایای زیادی ساخته شدند که از آن میان می‌توان به تکیه «حیات شاهی»، تکیه «دولت» یا تکیه «حاج میرزا آقاسی»، تکیه «باغ بسته بیک»، تکیه «نوروزخان»، تکیه «عباس‌آباد»، تکیه «پهلوان»، تکیه «رضاقلی‌خان»، تکیه «سرپولک» و... اشاره کرد (حسینی بلاغیف ۱۳۵۰: ۸۳). در زمان **ناصرالدین‌شاه** تکایای زیادی وجود داشتند. به گفته **گوبینو**، در اوایل سلطنت ناصرالدین‌شاه، در تهران تکیه‌های کوچک و

۱۲۸۴ هـ.ق. آغاز شد و در سال ۱۲۹۰ هـ.ق. به اتمام رسید. این امر قبل از سال ۱۲۹۰، یعنی اولین سفر ناصرالدین شاه به فرنگ بود (نک: بیضایی، ۱۳۴۴: ۱۲۹؛ ملک‌پور، ۱۳۶۶: ۶۴؛ شهیدی، ۱۳۳۸: ۱۸۳). لذا این نظر محققان خارجی که معماری تکیه دولت را اقتباسی از معماری «آلبرت هال» می‌دانند، تأمل برانگیز است.

## معماری

با توجه به آن‌که بنای تکیه دولت در گسترش و شکوفایی تعزیه سهم ارزنده‌ای داشته، بررسی معماری آن، گذشته از ارزش‌های ساختمانی‌اش در جهت روشن ساختن بسیاری از ارزش‌های اجرایی شبیه‌خوانی نیز حائز اهمیت بسیار است. درباره محل تکیه دولت اخباری هست. **رضاقلی هدایت** در «روضه‌الصفاء» آورده است که در این ایام در تکیه دولت متعلق به منزل جناب جلالت مآب **اتابک اعظم** امیرنظام که آن را ۵۲ ذرع طول و ۳۲ ذرع عرض است و حجرات تحتانی و فوقانی بر ستون بلند عماد آن ضمیمه است، روزها مجلس تعزیه و اسباب سوگواری برگزار می‌شود و... (فروغ، ۱۳۴۳: ۲۶).

ناصرالدین شاه پس از قتل **امیرکبیر** و تصرف اموال وی، در قسمتی از عمارت مسکونی میرزاتقی خان که سمت جنوبی «کاخ گلستان» داشت و در جوار آن نیز گرمابه‌ای بود که گاهی به عنوان مجلس از آن استفاده می‌شد، تکیه دولت را بنا کرد (ملک‌پور، ۱۳۶۶: ۶۵).

### ساموئل بنجامین<sup>۴</sup>

نخستین سفیر آمریکا در زمان ناصرالدین شاه، که سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۳ هـ.ق را در ایران گذرانده، شرح مفصلی از مشاهدات خود را از تکیه دولت در کتاب «ایران و ایرانیان» آورده است. او درباره تکیه دولت نوشته است: «چون از کالسکه پیاده شدیم، بنای بزرگ مدوری را مانند «آمفی تئاتر ورونا»<sup>۵</sup> دیدیم که تماماً از آجر و به‌طور محکمی ساخته شده بود... در طاق‌نمای

چون از کالسکه پیاده شدیم، بنای بزرگ مدوری

را مانند «آمفی تئاتر ورونا» دیدیم که تماماً از آجر

و به‌طور محکمی ساخته شده بود... در طاق‌نمای

ظهیرالدوله داخل شدم. دیوارهای طاق‌نما از آجر

ساده بود، ولی شال‌هایی کشمیری روی قسمتی از

آن کشیده بودند. چون به پرده وسیع تکیه نگاه

کردم، تماشایی برای من دست داد که فی الحقیقه

عجیب بود

**ظهیرالدوله** داخل شدم. دیوارهای طاق‌نما از آجر ساده بود، ولی شال‌هایی کشمیری روی قسمتی از آن کشیده بودند. چون به پرده وسیع تکیه نگاه کردم، تماشایی برای من دست داد که فی الحقیقه عجیب بود. داخل بنا تقریباً ۲۰۰ پا قطر و قریب ۸۰ پا ارتفاع داشت. روی تکیه چوب‌بستی به طرز طاق زده بودند و به واسطه آهن آنها را با یکدیگر وصل نموده و چادری روی این چوب‌بست کشیده بودند تا داخل تکیه از بارش باران و آفتاب محفوظ باشد... (بنجامین، ۱۳۶۲: ۲۵-۲۱).

**اعتمادالسلطنه** در مورد تکیه دولت می‌نویسد: «دیگر تکیه دولت است که به هیكلی مستحدث و شکلی بدیع پرداخته شده و از غره عرب - که حساب تاریخ هجری بر آن نهاده‌اند - هر ساله تا ده روز موسم این مقام کریم است که رجال دولت بی‌زوال بر حس حکم شاهنشاه اسلام‌پناه، ارواحنا له الفدا، طبقات طاقات آن را به الوان زجاجات و چراغ‌های بلورین و فنون نوادر اشیا و امتعه ثمین برآراسته به شعار شریفه تشیع و مناسک موالات اهل البیت - علیهم السلام - با ازدحامی تمام، اقدام می‌نماید. این تکیه شکل مستدیر است و مشتمل بر سه طبقه و اگر سردابه‌ها هم به حساب آید، چهار طبقه است. تمام بنای آن از آجر سفید شده. در اوقات تعزیه‌داری روی نیم‌دایره سقف آن را که چوب است، با پرده و چادر می‌پوشانند و سطح داخل تکیه، یکجا کاشی معرق است. و زیاده از بیست هزار نفر در صحن و طبقات و مرات آن می‌گنجند.

تخمیناً یک صد و پنجاه هزار تومان بنای این مکان شریف و مقام منیف شده است» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۰۶ هـ.ق، ج ۱: ۱/۸۷).

اعتمادالسلطنه در جایی دیگر می نویسد: «از سال ۱۲۸۵ اراده علیه بندگان اعلاحضرت... بر این علاقه یافت که تکیه عالی که در خور مجلس عزاداری دولت باشد، در جنب امارت و باغ خاصه سلطنتی بنا شود که از آثار عظیمه بلکه از ابنیه عظیمه نظیر این عصر همایون شمرده می شود. جمعی از مهندسين قابل و معماران ماهر به امر... این بنا را تمام کردند. ظاهر بنا از درون تکیه تماماً به کاشی معرق و غیر معرق ممتاز گردیده. دور سطح زمین ارتفاع یافته قریب به همان هم از قعر زمین شالوده ریخته و پی برآورده اند. تمام این بنای علیا از سنگ و آجر و گچ و ساروج و کاشی اعلا و احجار منبت و منقور ساخته و پرداخته شده و...» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۰۴ هـ.ق: شماره ۱۰۲).

کرزن نیز به توصیف این بنا پرداخته است: «در انتهای باغ گلستان ساختمان گردی هست که من تیرها و میله های سقف باز آن را وقتی که به تهران وارد می شدم، از دور متوجه شده بودم که از بام کوتاه خانه های اطراف برتر واقع شده بود. این تکیه یا تماشاخانه را برای مراسم سالانه تعزیه می ساختند...» (کرزن، ۱۳۸۲: ۴۳۳).

با توجه به توصیفات بنجامین و سایرین می توان گفت که تکیه دولت به شکل مدور ساخته شده بود. این امر برخلاف تکایای دیگر بود که چهارگوش بودند و متأثر از معماری خانه های بزرگان، و کاروان سراها و میدان هایی بود که معمولاً تکیه ها را در آنجا می بستند. تکیه دولت سه طبقه داشت و به همراه سردابه (زیرزمین) چهار طبقه می شد. در زمان مظفرالدین شاه یک طبقه آن بر اثر سنگینی گنبد هلالی شکل آن تخریب شد. در آن زمان چون سقف گنبدی شکل سنگینی می کند لذا به طبقه سوم آسیب می رساند. آن گاه سقف را تعویض و طبقه سوم را هم تخریب می کنند و بدین ترتیب تکیه دولت در زمان مظفرالدین شاه صاحب دو ردیف طاق نما شد» (شهری باف، تهران دیروز، ۱۳۵۷: ۱۱۳).

سقف مدور آن هشت هلال داشته که از جنس چوب بودند و با اتصالات آهنی به هم وصل شده بودند. نمای داخلی آن تماماً از آجر بود که با کاشی های معرق و غیر معرق تزئین شده بود. ترکیب ساختمان بدین گونه بود: سکویی در وسط، دو ردیف پلکان دو یا سه تایی در طرفین سکو، گذرگاهی محیط بر سکو به عنوان جای اسب تازی و جنگ و جدال، غرفه ای هم سطح زمین به عنوان رختکن بازیگران، محوطه ای محیط بر گذرگاه برای تماشاگران زن و کودک و نهایتاً غرفه ها و طاق نماهایی گرداگرد تکیه، در یک تاسه طبقه برای تماشاگران مرد.

برای روشنایی صحن تکیه، علاوه بر شمعدان هایی که گاه تعداد آنها به پنج هزار عدد می رسید، چهار چراغ برق به شمعدان بزرگی که از وسط قوس طاق آویزان بود، اضافه شد (پیتیر سون، ۱۳۸۴: ۶۰۴).

### نقش تکیه دولت در رواج تعزیه خوانی

معیر الممالک که از سوی ناصرالدین شاه مأمور اجرای ساختن تکیه دولت بود می نویسد: «روزها از دو ساعت



بعد از ظهر تا نزدیک غروب و شب‌ها از دو تا پنج شش ساعت از شب گذشته، تعزیه اجرا می‌شد و در شب چندین هزار چراغ و شمع افروخته می‌شد و به مراتب بر جلال و شکوه مجلس افزوده می‌شد» (معیر الممالک، ۱۳۶۲: ۴۵).

تکیه دولت به عنوان محل خاص انجام تعزیه‌ها زیر نظر ارگ سلطنتی بود و تعزیه‌های اجرا شده در آن به شبیه نامه‌های معین البکایی معروف بودند. این مکان، هم مورد توجه مردم و هم مورد توجه خارجیان مقیم ایران بود.

برای مثال می‌توان به نامه **مشیرالدوله** به ناصرالدین شاه اشاره کرد که در آن از شاه تقاضای شرکت افراد سفارت روسیه را در مراسم تعزیه‌ای که در تکیه دولت برگزار می‌شد، می‌کند و ناصرالدین شاه هم با شرط اجرای مراسم در شب و استفاده از پرده زنبوری برای جلوی طاق‌نمای این عده، آن را قبول می‌کند (عنصری، ۱۳۸۲: ۱۹۱؛ شهیدی، ۱۳۸۰: ۱۸۴).

تعزیه‌خوانی دربار (ارگ سلطنتی) از اول ماه محرم یا یک روز مانده به آن شروع می‌شد و تا دهم و گاهی دوازدهم و چهاردهم ادامه داشت. معمولاً هم در دو نوبت شب و روز برگزار می‌شد. ناصرالدین شاه از روز دوم یا سوم محرم به تکیه می‌آمد و در جایگاه مخصوص خود که پرده زنبوری آبی یا مشکی در جلوی او آویخته بود، می‌نشست.

در مورد علت نشستن ناصرالدین شاه پشت پرده زنبوری آبی یا مشکی، گروهی معتقدند که این کار برای آن بوده که حاضران مجلس او را در حال گریستن و تغییر حال نبینند تا هیبت و شکوهش همچنان در دل‌های مردم باقی بماند (سپهر، ۱۳۳۷ ش، ج: قاجاریه: ۶۰۷؛ مستوفی، ۱۳۴۰، ج ۱: ۲۹۳).

در بیشتر سال‌ها، تعزیه‌خوانی تکیه دولت، از یازدهم تا آخر محرم و گاهی تا آخر ماه صفر همچنان ادامه می‌یافت (اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات، ۱۳۴۵: ۹۷۵).

علاوه بر اسم و رسم تکیه دولت، تزئینات و چادر بزرگ آن، باعث جذب تماشاگران فراوان می‌شد. چادر بزرگ تکیه دولت که نقش شیرهای ایستاده شمشیر به دست و شیرهای خفته خورشید به پشت که نور خورشید از ستیغ هلال آنها نشت می‌کشید و نقش طاووس‌ها، گل‌ها و برگ‌ها، و... را داشت، هر ساله مشتاقان بسیاری را به تماشای خود می‌کشید (اسکویی، ۱۳۸۰: ۸۲).

## منابع

۱. اسکویی، مصطفی. تاریخ تئاتر ایران، نشر آناهیتا اسکویی. تهران. ۱۳۷۸.
۲. اعتمادالسلطنه، محمدحسین خان [صنیع‌الدوله]، المآثر و الآثار. تهران. دارالطباعة خاصه دولتی.

۳. ----- طهران قدیم (ج ۲). معین. تهران. ۱۳۷۱.
۴. امیر طهماسبی، عبدالله. تاریخ رضاشاه. دانشگاه تهران. ۱۳۵۵.
۵. بنجامین، ساموئل و ویلر، جیمز. ایران و ایرانیان. ترجمه محمدحسین کردبچه.
۶. بیضایی، بهرام. نمایش در ایران. تهران، کاویان. ۱۳۴۴.
۷. حاج سیاح، محمدعلی. خاطرات حاج سیاح. به کوشش حمید سیاح. تهران، ابن سینا. ۱۳۴۶.
۸. حسینی بلاغی، سید عبدالحجت. تاریخ تهران. قم بی‌نا. ۱۳۵۰.
۹. سپهر، محمدتقی [لسان‌الملک]. ناسخ‌التواریخ (ج قاجاریه). به اهتمام جهانگیر قائم مقامی. تهران. امیرکبیر. ۱۳۷۷.
۱۰. سرنا، کارلا. آدم‌ها و آیین‌ها. ترجمه علی اصغر سعیدی. تهران، زوار. ۱۳۶۲.
۱۱. شهری باف، جعفر. تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم (ج ۵). تهران، اسماعیلیان و مؤسسه فرهنگی. ۱۳۳۸.
۱۲. ----- تهران دیروز. تهران، امیرکبیر. ۱۳۵۷.
۱۳. ----- روزنامه خاطرات. تهران، امیرکبیر. ۱۳۴۵.
۱۴. شهیدی، عنایت‌اله. پژوهشی در تعزیه و تعزیه‌خوانی. تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی. ۱۳۸۰.
۱۵. عنصری، جابر. شبیه‌خوانی گنجینه نمایش‌های آیینی و مذهبی. تهران، جشنواره سراسری تئاتر فجر. ۱۳۷۲.
۱۶. کرزن، جرج. ایران و قضیه ایران. ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی. تهران، انتشارات علمی و فرهنگی. ۱۳۸۲.
۱۷. گوینو، ژوزف کنت. «تئاتر در ایران». ترجمه جلال ستاری. فصل‌نامه تئاتر. شماره یازدهم و دوازدهم.
۱۸. مستوفی، عبدالله. شرح زندگانی من (ج ۱). تهران، زوار. ۱۳۴۰.
۱۹. معیر الممالک، دوستعلی خان. یادداشت‌هایی از زندگی خصوصی ناصرالدین شاه. تهران، علی‌اکبر علمی. ۱۳۵۱.
۲۰. ملک‌پور، جمشید. سیر تحول مضامین در شبیه‌خوانی و تعزیه. تهران، جهاد دانشگاهی.
۲۱. هدایت، رضاقلی خان. روضه‌الصفاء (ج ۱۵). تهران، چاپ سنگی. ۱۲۷۰ هـ. ق.
۲۲. هدایت، مهدی قلی خان [مخبرالسلطنه]. خاطرات و خطرات. زوار. ۱۳۴۴.
۲۳. فروغ، مهدی. «تکیه دولت». مجله هنر و مردم. سال سوم. ش ۲۹. تهران، وزارت فرهنگ و هنر. ۱۳۴۳.
۲۴. کالمار، ژان. «اقامه تعزیه، اطلاعاتی مقدماتی برای پژوهش جامع: تعزیه: آیین و نمایش در ایران؛ گردآورنده پیترو چلکورسکی. ترجمه داوود حاتمی. تهران، انتشارات علمی و فرهنگی. ۱۳۸۴.
۲۵. پیترو سون، ساموئل. «تعزیه و هنرهای آن»؛ تعزیه: آیین و نمایش در ایران. گردآورنده پیترو چلکورسکی. ترجمه داوود حاتمی. تهران، انتشارات علمی و فرهنگی. ۱۳۸۶.
۲۶. اعتمادالسلطنه. روزنامه شرف. ۷ ذی‌الحجه. شماره ۵۳.
۲۷. روزنامه ایران. جمعه شانزدهم محرم‌الحرام. شماره ۶۱۱. ۱۳۰۴ هـ. ق.
۲۸. روزنامه ایران. شنبه چهاردهم محرم‌الحرام. نمرة ۲۰۸. ۱۲۹۰ هـ. ق.
۲۹. دایرةالمعارف جهان اسلام. زیر نظر غلامعلی حداد عادل (ج ۷). تهران، بنیاد دایرةالمعارف اسلامی. ۱۳۸۲.
۳۰. دایرةالمعارف شیعه. زیر نظر صدر حاج سیدجوادی و دیگران (ج ۴). تهران، بنیاد خیریه و فرهنگی شط. ۱۳۷۳.
۳۱. مصاحب، غلامحسین، دایرةالمعارف فارسی (ج ۱). تهران، انتشارات فرانکلین. ۱۳۴۵.